

انترناسیونال هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۲۳

۲۲ شهریور ۱۳۸۱

۱۳ سپتامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دنیا

بدون فراخوان سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم،
و بدون "خطر" سوسیالیسم
به چه منجلابی بدل میشود!

منصور حکمت

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707



گرامیداشت یاد منصور حکمت توسط گروههای کوهنوردی در ایران



بدنبال برگزاری گسترده مراسمهای بزرگداشت منصور حکمت در شهرهای ایران، اخیرا گروههای کوهنوردی طی یک حرکت سراسری و هماهنگ یاد عزیز منصور حکمت را گرامی داشتند. در گزارشی که از طرف فعالین حزب در ایران بتاريخ ۳ شهریور ۸۱ ارسال شده، درباره این مراسمها از جمله آمده است:

"در سه هفته قبل بطور متوالی به یاد رفیق ژوبین گروههای کوهنوردی متشکل از جوانان، زنان، کارگران، دانشجویان و کوهنوردان حرفه ای بویژه شخصیتهای سیاسی علاقه مند به منصور حکمت و اندیشه او در یک نمایش سراسری با صعود در کوههای ایران یاد عزیزش را گرامی داشتند. در این نمایش فعالان سیاسی به گفتگو و تبادل نظر در رابطه با اوضاع سیاسی ایران و تاثیر و نقش منصور حکمت در سازماندهی و رهبری جنبش آزیخواهی و برابری طلبی و مبارزات حکک (حزب کمونیست کارگری) پرداختند. گروههای مختلف شرکت کننده هم در طول مسیرها و در

هنگام صعود پوسترها و پلاکاردهائی به مناسبت درگذشت و یاد و خاطره منصور حکمت نصب و به اهتزاز درآوردند. اسامی بعضی از این کوهها: سهند، سیلان، قنبدیل، دنا، پاراو کرمانشاه، سفید کوه، دماوند، الوند، چهل چشمه، توچال، آبپدر و ..."

اعتراض کوبنده مردم سردشت و مهاباد علیه جمهوری اسلامی

صفحه ۴

پیام رحمان حسین زاده

به مردم آزادیخواه کردستان صفحه ۴

پیام اسد گلچینی به فعالین حزب

صفحه ۴

در شهرهای ایران

جایگاه رفیع شوراهاى اسلامی و

خانه کارگر نزد اصلاح طلبان

صفحه ۲

"کف کارخانه"!

در مقابل ارتجاع اسلامی، باید یک صف بندی قوی آزادیخواهانه ایجاد کرد



صفحه ۳

مصاحبه با

ناهید ریاضی

درباره فعالیتهای

او در نقد دولت

دانمارک و علیه

گروههای اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جایگاه رفیع شوراها اسلامی و خانه کارگر نزد اصلاح طلبان "کف کارخانه"!



است. اما این یک تشکل سیاسی و فراگیری است... که مختص جامعه کارگری نیست.

انتقاد خسروشاهی به خانه کارگر این نیست که آنها در سرکوب کارگران نقش داشتند و دارند. بلکه این است که آنها تشکیلات سیاسی هستند و مطالبه ای فرا صنفی را طرح میکنند. او به این بندها از این جنبه انتقاد ندارد که خانه کارگر با توجه به این بندها مانند

هر ارگان دیگر جمهوری اسلامی در عملیات ترور و آدمکشی و یاری دادن به جریان‌های تروریستی اسلامی در خاورمیانه شرکت میکند. بلکه با "خیلی خوب" خواندن آنها، به این بندها انتقاد دارد. خسروشاهی اعتقاد دارد که خانه کارگر اگر سیاسی نبود خوب عمل میکرد و خطاب به همزمانش در خانه کارگر میگوید "تا کی باید کارگران را به چشم حقارت نگریست و برای آنها حزب سیاسی درست کرد. آیا مسئولان خانه کارگر با چنین نگرشی میخواهند فقر و محرومیت و استثمار را ریشه کن کنند و کارگر را مالک ابزار کار نمایند... در جنبش کارگری نمیتوان بین دو صندلی نشست" و برای جنبش نظرات خود درباره خانه کارگر و اصلاحات مورد نظر از حسن صادقی کمک میگیرد و نظر او را عنوان میکند. "صحت آقای صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی را یادآور میشوم که گفت بازسازی تشکیلاتی خانه کارگر امری ضروری است، چرا که حفظ وضع موجود برای جامعه کارگری به منزله سم است. اگر میخواهیم جامعه کارگری پویا شود باید از این پوسته فرسوده و تنگ خارج شویم."

کلا نظر خسروشاهی در باره خانه کارگر در این گفته او خلاصه میشود که در مصاحبه اش با اندیشه جامعه بیان نموده است. "به طور کلی مسئولان خانه کارگر بایستی نگرشان را نسبت به جنبش کارگری تغییر دهند." که منظور او هم عدم دخالت خانه کارگر در سیاست است. بنابراین نقد خسروشاهی به خانه کارگر این نیست که آن تشکیلاتی ضد کارگری است، و با ارتجاعی بودن و ضد کارگری بودن سیاستهای خانه کارگر و شوراها اسلامی مخالف نیست بلکه فقط با دخالت آن در

و انجمن صنفی به ثبت میرسند و فعالیت میکنند. شوراهای اسلامی باید اصلاح شوند اما انجمن های صنفی دیگر لزومی به اصلاحات هم ندارند. شوراهای اسلامی و انجمن های صنفی همان سنندیکا هستند و قانون اساسی و قانون کار جمهوری اسلامی هم الحماله راه را برای همه نوع اصلاحات و پیشرفت باز گذاشته اند. تازه در این مورد آقای خسروشاهی سالها پیش از دو خردادیهای چون شمس الواعظین و دیگران اظهار نظر نمود و پیشکسوت است. او ضمن حمله همستریک خود به کسانی که خواهان مجمع عمومی و شورا و یا اتحادیه میباشند، نوشت: اتحادیه در ایران طبق قانون جمهوری اسلامی وجود دارد و باید همه کارگران تلاش کنند تا اصل بیست و ششم قانون اساسی اجرا شود. به جمله زیر توجه کنید که چند سال قبل از ظهور دو خرداد بیان شده است:

"در قانون کار و قانون اساسی رژیم اسلامی، علاوه بر تشکل شورایی، بنا به اصل بیست و ششم قانون اساسی و ماده ۱۳۱ قانون کار، کارگران میتوانند اقدام به تشکیل انجمن های صنفی هر واحد و هر استان و همچنین اقدام به ایجاد کانون عالی انجمن های صنفی در کل کشور بکنند ... مشاهده میشود که وظیفه سنندیکا، اتحادیه و کنفدراسیون به عهده انجمن های صنفی گذاشته شده است و به این نام خوانده میشود." (کارگر تبعیدی شماره ۳۶)

در کشوری که اعتصاب کارگران و تلاش برای متحد کردن و منسجک کردن آنها و دفاع از کوچکترین مطالبات کارگری با شکنجه و زندان پاسخ میگردد، کسی پیدا شده و اعلام میدارد که در ایران سنندیکا و اتحادیه بر طبق قانون رژیم وجود دارد اما باید گسترش یابند. کدام شخصیت دو خرداد میتواند چنین ترستی به خرج دهد و نیست را با یک چشم بنویسد قلمداد کند؟

خانه کارگر و انتقادات خسروشاهی

انتقادات خسروشاهی به خانه کارگر برای اصلاحات در آن، از همه گفته های او بامزه ترند. انتقاد اصلاح طلبانه او به خانه کارگر این است که خانه کارگر تشکیلاتی است سیاسی و عیب آن این است که در سیاست دخالت میکند. در صورتی که فقط باید به مسائل صنفی بپردازد. او به سوال نشریه اندیشه جامعه در باره خانه کارگر اینطور جواب میدهد: "در بند ۸ مرامنامه میباید پشتیبانی از مبارزه ملت‌های مستضعف جهان که در راه حق و آزادی مبارزه میکنند و یا بند ۱۰ میگوید مبارزه علیه کفر و استکبار جهانی، تژاد پرستی، صهیونیسم و حامیان آنها و بندهای دیگر نیز در همین راستا و چنین وظایفی را برای خود مشخص کرده که خیلی هم خوب

بگذارند. در همین مورد شوراهای اسلامی نیز او دوخردادی فکر میکند. حرفهای ضد و تقبض در اینجا و آنجا بنا بر جو و مصلحت میزند اما بطور وضوح او را میتوان در کنار اصلاح طلبان دو خردادی دید. همانند هر دوخردادی دیگر به ارگانها و سازمانهای رژیم انتقاد دارد اما در مجموع خواهان اصلاح آنها است. ضدیت او با سیاست هم خواسته و یا ناخواسته نمیتواند به چیز دیگری جز تأیید سیاست موجود معنا شود. اگر هیچ عیبی در نظرات آقای خسروشاهی وجود نداشت، فقط همین سیاست گریزی او میتوانست مورد دلخواه حافظان حکومت باشد.

دفاع خسروشاهی از شوراهای اسلامی

دفاع جانانه خسروشاهی از شوراهای اسلامی و خانه کارگر بی نظیر است. او در مصاحبه با شماره ۲۳ نشریه اندیشه جامعه" که در ایران منتشر میشود با اشاره به شوراهای اسلامی میگوید مهم نیست تشکل چه نامیده میشود، عمل تشکل ملاک میباید و ادامه میدهد:

"عملکرد شوراهای اسلامی کار آن طور که گفته شده تاکنون در محدوده وظایف سنندیکا پیش رفته، آن هم با آن محدودیت‌های قانونی، این محدودیت‌ها بایستی در اساسنامه ای که توسط مجامع عمومی کارگران برای ایجاد تشکل برگزار میشود برطرف گردد و به تصویب مجمع عمومی برسد. نقش وزارت کار طبق تبصره ۲ ماده ۱۳۱ ثبت این اساسنامه ها است نه چیز دیگر. بنابراین کارگران میتوانند در این اساسنامه ها موادی بگنجانند که اولاً آن محدودیتهای موجود در قانون شوراهای اسلامی را بر طرف نمایند و هم اینکه در جهت منافع خود وظایف دیگری را به این تشکل اختصاص دهند." (نشریه اندیشه شماره ۲۳)

شوراهای اسلامی که با سرکوب تشکل های کارگری، توسط عوامل رژیم و با زور سرزنش در محل های کار دایر شدند و یکی از ارگانهای رژیم در محل های کار میباشند از نظر آقای خسروشاهی وظیفه سنندیکا را به عهده دارند که با اصلاحات ناچیزی محدودیت آنها هم بر طرف میشود. این تنوری کارشناسانه آقای خسروشاهی سالها قبل از دو خرداد نیز "در عمل" و "با خرد جمعی" و "با شکل" و محتوای کارگری" به "جامعه کارگری" عرضه شد.

این تنوری کارشناسانه اعتقاد راسخ دارد که در کشور ایران سنندیکا و اتحادیه وجود دارد اما فقط نامشان متفاوت است و سنندیکا نامیده نمیشود. بر اساس این چشم‌پنداری سنندیکا و اتحادیه در ایران بدون حق اعتصاب و دیگر حقوق پایه ای شناخته شده بین المللی کارگران با نام شوراهای اسلامی

برای خریدن فرصت برای جمهوری اسلامی است.

همانطور که شوراهای اسلامی و خانه کارگر و دیگر ارگانهای رژیم در میان کارگران جایی ندارند، احزاب و جریانات ملی اسلامی از نهضت آزادی تا اکثریت و از محبوب تا کشور نیز نمیتوانند جایی در مبارزات کارگران داشته باشند. برخی از این جریانات مانند اکثریت و حزب توده سیاست آشکار و بدون کم و کاست دفاع از شوراهای اسلامی و خانه کارگر را پیش میبرند و برخی از طرفداران اصلاحات که خود را از کارگران "کف کارخانه" میدانند، گاه نهان و گاه آشکار به حمایت از این ارگانهای رژیم در میان کارگران میپردازند. من در اینجا روی سخنم با این دسته آخری است که اتفاقاً جیداً در کنفرانسی در تورنتو خود را هویدا ساختند. این دسته های کوچک پراکنده را باید دنبالچه احزاب سیاسی دو خردادی در اپوزیسیون دانست. اینها از خودشان دارای هیچگونه سازمان و نقشه و سیاست نیستند و اگر هم قلباً خواهان رفتن جمهوری اسلامی باشند، اما ضدیتشان با احزاب چپ و رادیکال، سیاستی را به آنها دیکته میکند که نتیجه آن پذیرش جمهوری اسلامی و بازی طبق قواعد و نیاز رژیم است.

آقای بابائی یکی از سخنرانان کنفرانس تورنتو بود که از شوراهای اسلامی دفاع میکرد و آقای یدالله خسروشاهی، یکی دیگر از سخنرانان این کنفرانس، نقد به آقای بابائی را از طرف محسن ابراهیمی مغرضانه دانسته بود و دلخوری ایشان از این نقد اساساً بدلیل انتقاد از بابائی بخاطر طرفداری از شوراهای اسلامی و دو خردادی خواندن جهت این کنفرانس بود. در اینجا به نکاتی درباره نظرات آقای یدالله خسروشاهی در دفاع از شوراهای اسلامی و خانه کارگر میپردازم.

مشی دو خرداد تلاش برای اصلاح نهادها و تشکل های حکومتی است. به این معنا خسروشاهی از جمله کسانی است که طرفدار اصلاحات دو خردادی میباشند. البته این گرایش ایشان به امروز مربوط نمیشود. او سالها پیش هم به جریاناتی که برای دست یافتن کارگران به تشکلهای واقعی کارگری اعم از شورا و یا سنندیکا تلاش میکردند میتناخت و معتقد بود انجمن های صنفی تشکل شده را باید به عنوان سنندیکا به رسمیت شناخت و در قانون اساسی و قانون کار پاراگراف کافی برای استفاده کارگران وجود دارد و کارگران را فرامیخواند که این بندها را به اجرا

محمود قزوینی

شوراهای اسلامی و خانه کارگر و دیگر تشکل های دست ساز رژیم، در کنار وزارت اطلاعات و سپاه و بسیج و دیگر ارگانهای سرکوبگر رژیم، وظیفه سرکوب و خاموش کردن کارگران را به عهده داشتند و دارند. این اجزاء رژیم هیچگاه در میان کارگران جایی نداشتند و نخواهند داشت. اما اپوزیسیون طرفدار رژیم همانطور که به بخشی از حاکمیت چسبیده است، در میان کارگران نیز به ارگانهای دست ساز حکومت اسلامی چنگ میاندازد. تشکل شوراهای اسلامی بخشی از تلاش مستمر رژیم برای نگه داشتن کارگران در بیحقوقی مطلق بوده است. شوراهای اسلامی در اوج قلع و قمع رهبران و فعالین کارگری و احزاب اپوزیسیون در جمهوری اسلامی علم شد و در شکل گیری آن وزارت اطلاعات و تمامی ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی بکار گرفته شدند. در سالهای دهه ۶۰ عدم شرکت و تحریم انتخابات شوراهای اسلامی به معنای ضدیت با نظام اسلامی تلقی میشد و سر و کار کارگران تحریم کننده با وزارت اطلاعات و اداره حراست و نهادهای سرکوبگر رژیم میافتاد. با این همه شوراهای اسلامی در سطح وسیع با بی اعتنایی کارگران روبرو شدند و در بسیاری از مراکز کارگری تشکل شوراهای اسلامی با شکست مواجه شد.

همانطور که بخشی از حاکمیت در مقابل خواست مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی دست به عقب نشینی زد و تلاش نمود تا جمهوری اسلامی اصلاح شده ای را به مردم بقبولاند، همینطور هم در مقابل تحرك وسیع اعتراضات کارگری که به شکل اعتصابات و تظاهرات هر روزه ای که جمهوری اسلامی را به مصاف میطلبید، چاره ای جز عقب نشینی ندارد و تلاش میکند تا چهره واقعی ارگانها و تشکلهای رژیم در میان کارگران را پنهان کند. همراهی شوراهای اسلامی و خانه کارگر در این دوره با برخی از مطالبات کارگری، ذره ای توهم در میان کارگران درباره ماهیت این تشکلهای و کل رژیم بوجود نیاورده است. به درجه ای که توازن قوا به نفع مردم و کارگران تغییر کند و فضای سیاسی کمی گشایش یابد، خواست انحلال شوراهای اسلامی به سرعت طرح و به پیش رانده خواهد شد. شوراهای اسلامی مانند هر ارگان و تشکل دیگر رژیم و کل نظام اسلامی اصلاح پذیر نیستند. شوراهای اسلامی به همراه جمهوری اسلامی به گور سپرده خواهند شد. تلاش برای اصلاح این ارگانها، تلاش

در مقابل ارتجاع اسلامی، باید یک صف بندی قوی آزادیخواهانه ایجاد کرد

مصاحبه با ناهید ریاضی درباره فعالیت‌های او در نقد دولت دانمارک و علیه گروه‌های اسلامی

سنگسار شد.

هفتگی: از نظر شما برای عقب راندن جریان‌های اسلامی در دانمارک و نیز وادار کردن دولت دانمارک و کشورهای مشابه آن برای گردن گذاشتن به خواسته‌های آزادیخواهانه مردم آن جوامع و همچنین مصون نگه داشتن زنان و کودکان خانواده‌های اسلامی در برابر فشار و اعمال ضد انسانی فرهنگ اسلامی باید چه قدم‌هایی برداشت؟

ناهید ریاضی: باید به مبارزه برای ایجاد یک صف بندی قوی در مقابل ارتجاع اسلامی ادامه داد. باید سکولاریسم و آزادیخواهی واقعی را یکبار دیگر به صحنه آورد. باید به عقب نشینی برای رسیدن به برابری کامل، به کوتاه کردن دست ارتجاع مذهبی و ناسیونالیستی از زندگی شهروندان جامعه، و به انسان بحساب نیاروندن انسانها پایان داد. باید دولتها را مجبور و موظف به حفظ حقوق برابر تمامی شهروندان جامعه کرد و به آنها اجازه نداد که به صرف اینکه کودکی در خانواده مذهبی بدنیا می آید، سرنوشت او، تربیتش، آموزشش، آزادی اش و امکاناتش به فرهنگ، مذهب و تصمیم‌گیریهای پدر و مادر و یا جریان‌های اسلامی واگذار شود و جامعه هیچ دخالتی در امر سلامتی و آزادی روحی و جسمی کودک ننماید. در عین حال باید با عقب ماندگیهای مذهبی و سنتی بطور جنی به جلل پرداخت و باید جامعه را وارد این جلل کرد. نباید به دولتها اجازه داد که به بهانه "فرهنگ خودشان است" و "مذهب خودشان است" از وظایف خود در دفاع از حقوق زنان و کودکان شانه خالی کنند و مثلا یک دختر بچه را با مسائل و معضلات بزرگی مانند حجاب، ازدواج اجباری، ناموس پرستی و غیره تنها بگذارند.

اما دلم می خواهد که در آخر چیزی را اضافه کنم و آن اینکه تمام فعالیت‌های من و دیگر رفقا، انعکاس تنها بخشی از آن برابری طلبی و مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیری است که الهام بخش ما، منصور حکمت، با شفافیت و برندگی بی نظیری به پیش برد و آثرا مثل یک سلاح قوی بدست ما داد. امروز ما این سلاح را در جلدایمان، در مبارزاتمان و در فعالیت‌هایمان بکار می بریم و نتیجه آن را به عین شاهد هستیم. تمامی آموخته‌هایم را به او می‌آموزیم.

آن چیست؟

ناهید ریاضی: مسئله بر سر موضع گیری دولت دانمارک، که امسال ریاست پارلمان اروپا را هم بعهده دارد، در مقابل تائید حکم سنگسار امینه لاوال در نیجریه بود. دولت دانمارک اعلام کرد که بهتر است دانمارک از اعتراض به این حکم خودداری کند. آنها دلیل این موضع گیری را اینطور اعلام کردند که گویا اینطور بیشتر به نفع امینه لاوال خواهد بود!

من بلافاصله بعد از اعلام موضع دولت دانمارک، یک اطلاعیه مطبوعاتی صادر کردم و در آن از سیاست پشت پرده دولت دانمارک و همچنین سیاست پارلمان اروپا پرده برداشتم. در آنجا من نوشتم دلیل این نوع موضع گیری دولت دانمارک را باید در رابطه رو به گسترش این دولت با رژیم سنگسار در ایران جستجو کرد. دولت دانمارک درخواست در مقابل حکم سنگسار امینه لاوال اعتراض کند چرا که اگر به نیجریه اعتراض نماید، نمیتواند رابطه حسنه خود را با رژیم اسلامی ایران، که هم اکنون حداقل چهار زن در زندانهایش منتظر اجرای حکم سنگسار نشده اند، برای مردم توجیه کند، و محکومیت سنگسار در نیجریه موجب ناخوسندی رژیم سنگسار در ایران میگردد. این افشاگری توجه بسیاری را به خود جلب کرد و بطور وسیعی در مطبوعات دانمارک درج شد. خوشبختانه اعتراضات به دولت دانمارک آتقدر شدید بود که دولت بلافاصله مجبور شد اطلاعیه ای صادر کند و در آن "نگرانی خود از حکم سنگسار امینه" را اعلام کند. این هر چند معنی محکوم کردن حکم سنگسار او نبود اما یک عقب نشینی برای دولت دانمارک بود.

هم اکنون یک هیئت از مقامات اتحادیه اروپا به ریاست دانمارک در ایران به سر میبرد. مینا احدی نامه ای اعتراضی از طرف کمیته علیه سنگسار به دولت دانمارک نوشته است و من نیز اطلاعیه ای با تیتیر "در آستانه سالگرد جنایت ۱۱ سپتامبر، هیئت پارلمان اروپا به دستبوسی رژیم تروریستی اسلامی می رود" به تمامی مطبوعات و سازمانها و احزاب دانمارکی ارسال کردم و از همه خواستم که به این سفر اعتراض نمایند، نه فقط به احترام به تمام قربانیان جنایت‌های اسلامی بلکه همچنین به احترام به آن چهار زنی که در ایران منتظر سنگسارشان هستند و به احترام به مریم ایوبی که کمتر از یکسال پیش بدست جنایتکاران رژیم اسلامی ایران

و پا بریدن و اعدام و سلب هرگونه آزادی از انسانها در ایران و افغانستان و سودان و غیره گرفته تا قتل‌های ناموسی و ازدواج‌های اجباری و شستشوی مغزی کودکان در مدارس اسلامی در همین قلب اروپا را مرتبا افشا کردیم و این سوال را که نیروهای مترقی جامعه چه جوابی برای سکوت خود در مقابل این جنایات دارند را در مقابل آنها قرار دادیم.

نیروهای اسلامی بسیار تلاش کرده اند که خود را نماینده تمامی مهاجرین معرفی کرده و وجود هرگونه نیروی سکولار و بی مذهب و غیرمذهبی در میان مهاجرین را منکر شوند. سیاست و فرهنگ حاکم بر دولت و محیط‌های روشنفکری و چپ و مطبوعات این بود که مهاجرین "موجودات" مذهبی هستند و نماینده آنها هم آخوند و یا هر مرتجع ضد بشر دیگری است که بویی از انسانیت و تمکن نبرده است. مدتها بود که نیروهای اسلامی دائما تربیون در اختیارشان قرار می گرفت و اینها از جانب همه مهاجرین خواهان درست شدن مدارس اسلامی و مساجد و خانه‌های فرهنگ اسلامی و غیره می شدند و در جامعه مطرح بودند. امروز دیگر کمتر کسی است که متوجه وجود نیروی سکولار و غیرمذهبی ای که خواهان کوتاه شدن دست مذهب از آموزش و پرورش و از تمام قوانین و حقوقی که مربوط به شهروندان مهاجر جامعه می شود، نشده باشد. این ها نتیجه نقدهای ما، افشاگریهای ما، دخالت‌های بوقوع ما، شرکت در جلسات و گلو پاره کردن‌های ما، راه اندازی تظاهرات و اعتراضات در مقابل نیروهای اسلامی است. یکی از نتایج مشخص این مبارزات را همین هفته گذشته در دانمارک شاهد بودیم. روز چهارشنبه ۴ سپتامبر برای اولین بار ما و بیش از هجده سازمان و حزب و اتحادیه و سازمانهای زنان تظاهراتی را علیه نیروها و احزاب اسلامی و همچنین مدارس اسلامی و قانون اسلامی سنگسار سازمان دادیم. این یک پیروزی برای ما و جنبش ما بود. این یک قدم مهم در اعلام موضع بخشی از جامعه در مقابل ارتجاع اسلامی بود که قبلا سابقه نداشت.

ما با مبارزاتمان و با تقدمان به جریان‌های "چپ" که فکر می کنند با سکوت در مقابل مرتجعترین نیروها در بین مهاجرین، که همانا نیروهای اسلامی اند، دارند به مهاجر و پناهنده احترام می گذارند، نشان دادیم که سکوتشان توهین به شهروندان مهاجر و پناهنده جامعه و خدمت به فاشیستی ترین نیروها است. ما سکولاریسم را جلوی صحنه آورده ایم و همه را دعوت کرده ایم که به این سکولاریسم و ترقی خواهی بپیوندند. ما ابعاد فاشیسم اسلامی را از جنایت‌هایی که این جریان در سراسر جهان به آن دست می زند، از سنگسار و دست

هفتگی: مصاحبه ای که اخیرا خبرگزاری دانمارک با شما انجام داده بود، در سطح وسیعی از مطبوعات دانمارک انعکاس یافت. اولاً این موضوع بر سر چه بود، ثانیاً دلایل انعکاس گسترده

ناهید ریاضی، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، از شخصیت های سرشناس جامعه دانمارک است. ناهید ریاضی بدلیل سالها فعالیت در دفاع از حقوق زنان و بدلیل جسارت و پیگیری در افشاگری علیه قوانین اسلامی و گروهها و دستجات اسلامی و همچنین بدلیل انتقاد از دولت و احزاب حاکم در دانمارک بخاطر سازش با جمهوری اسلامی و عدم اعتراض به سنگسار زنان و بدلیل نقد مستمر از دفاع دولت دانمارک و احزاب و سازمانهای مختلف از نظریه ارتجاعی نسبیست فرهنگی، به یک چهره شناخته شده و مورد احترام مردم در دانمارک تبدیل شده که در عین حال مورد غضب امامان مساجد و گروههای اسلامی قرار گرفته است.

هفتگی: شما فعالیت‌های گسترده ای در سالهای اخیر در دانمارک حول افشای جنایات جمهوری اسلامی و سایر جریان‌های اسلامی و قوانین ضدانسانی آنها داشته اید، که بویژه در ماههای اخیر از انعکاس گسترده ای برخوردار بوده است. تأثیرات این فعالیتها بر جامعه دانمارک و همچنین عکس العمل جریان‌های اسلامی و دولت دانمارک در قبال آنها چه بوده است؟

ناهید ریاضی: مبارزه و درافتادن دائمی ما نه فقط با ارتجاع اسلامی و دارو دسته های این جریان، از امامان مساجد گرفته تا حزبی اسلامی مثل حزب التحریر و یا تمام جریان‌های افرادی که به نوعی طرفداری از حفظ فرهنگ اسلامی را به جامعه و به مهاجرین تجویز می کنند، بلکه همچنین با نقد و مقابله پیگیر ما با دید نسبیست فرهنگی، امروز به یک صف بندی جنید در سطح جامعه دانمارک منجر شده و تحولاتی را موجب شده است. در طول چند سال اخیر من دهها مقاله در روزنامه ها نوشتم. یکی از مقالات من جزء مطالبی شده است که دانشجویان در دانشگاه آن را مطالعه میکنند و تاکنون چندین دانشجو برای تکمیل پروژه شان با من تماس گرفتند. با سمینار و سخنرانی و گفتگوی رادیو

جائی برای تنفس اصلاح طلبی نمانده است. کارگران بر خلاف آقای خسروشاهی و نرشیده انیشنه و جامعه و دیگر طرفداران "جامعه کارگری" در ایران و خارج به بازسازی تشکیلات خانه کارگر و رفع محدودیتهای شوراهای اسلامی نمی اندیشند. بلکه خواسته‌های خود را با اراده مستقل شان در اعتصابها و تظاهراتها و با برپایی مجامع عمومی به رژیم و کارفرما تحمیل میکنند. کسب پایه ای ترین ترین حقوق طبقه کارگر مانند کاهش ساعت کار و حق اعتصاب و تشکل و افزایش دستمزدها به سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است. ■

اعتراض کوبنده مردم سردشت و مهاباد علیه جمهوری اسلامی

بنا به اطلاعیه کمیته کردستان حزب و گزارش فعالین حزب کمونیست کارگری از شهر مهاباد، روز سه شنبه ۱۹ شهریور این شهر شاهد اعتراضات گسترده مردم سردشت و مهاباد بود. روز دوشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۸۱ (۹ سپتامبر ۲۰۰۲) در نزدیکی "کولان" مزدوران رژیم به یک ماشین حامل بار کسانی که در شهرهای مرزی ایران و عراق به کسب و کار مشغولند، تیراندازی میکنند و سه نفر را فوراً اعدام میکنند، دو نفر هم زخمی میشوند. اسامی کشته شدگان عبارتند از علی و ابراهیم که هر دو برادرند و اهل روستای "سوکل" سردشت و غفور که اهل شهر سردشت است و یک نفر از زخمی‌ها ارسال نام دارد. مزدوران رژیم تمام اموال آنها را به غارت میبرند. مقامات رژیم وقتی از هویت قربانیان این واقعه مطلع میشوند و میدانند که آنها مقیم سردشت هستند، از ترس اعتراض مردم این شهر، جنازه‌ها را به مهاباد میبرند و شایع میکنند که آنها زخمی بوده و در راه جانشان را از دست دادند. خبر این جنایت فوری در مهاباد پیچید. در سردشت نیز فوری مردم از ماجرا و جنایت و توطئه رژیم باخبر شدند. روز ۱۹ شهریور تعداد زیادی از مردم سردشت برای اعتراض به این جنایت به مهاباد آمدند و در میدان جامی تجمع کردند و حوالی ساعت ده صبح مردم شهر مهاباد نیز دسته دسته به آنها پیوستند. تظاهرات مردم معترض از میدان "جامی" شروع و به طرف پل "یرغو" و از آنجا به طرف میدان آزادی و شهرداری واقع در خیابان طالقانی راه افتاد. مردم خشمگین بیشتر و بیشتر میشدند و یکصد شعار میدادند، "مرگ بر جنایتکار"، "نیروهای رژیم نیز مرتب افزایش می‌یافت و به مردم حمله کردند. در خیابان طالقانی مردم به دادگاه انقلاب حمله کرده و شیشه‌های آن را در هم شکستند و بدنبال آن شیشه‌های پانکهای سیاه و ملی را هم پایین آوردند. به یکی از مراکز شهرداری شهر هم حمله میشود. مردم مغازه‌های خود را در اعتراض به رژیم بستند. نیروهای ضد شورش رژیم از میان‌دواب به کمک مزدورانشان در مهاباد شتافتند و برای متفرق کردن مردم تیراندازی هوایی میکردند. در این ماجرا حدود بیست نفر از مردم بر اثر حمله مزدوران زخمی شدند و تعداد زیادی هم دستگیر شدند. آخرین اخبار حاکی از آن است در زد و خورد بین مردم و نیروهای رژیم و در اثر تیراندازی مزدوران و عکس‌العمل متقابل مردم چند نفر از هر دو طرف کشته‌شدند که هنوز آمار دقیق دریافت نشده است. گفته میشود که هفت جنازه در سردخانه بیمارستان شهر وجود دارد و مامورین جمهوری اسلامی از شناسایی آنها توسط مردم جلوگیری میکنند. فضای شهر در مهاباد و سردشت همچنان ملتهب است و مردم بسیار خشمگین هستند. ■

پیام به مردم آزادیخواه کردستان!

جنايات اتفاق افتاده توسط جمهوری اسلامی در شهرهای مهاباد و سردشت لازمست پاسخ شایسته خود را از جانب شما مردم مبارز شهرهای کردستان بگیرد. شرایط سیاسی کنونی، گسترش هر روزه فضای اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در سراسر ایران و موقعیت مساعدی که به نفع مبارزه ما مردم به وجود آمده است، ایجاب میکنند، که اجازه ندهیم رژیم جمهوری اسلامی به جنایاتش ادامه دهد. یک هفته آینده میتواند فرصتی باشد که با اتکا به تجارب تانکنی و با ابتکارات مختلف و در هر شکلی که میتوانیم، با اعتراض و مبارزه دیروز شهرهای مهاباد و سردشت اعلام همبستگی کنیم. میتوانیم در حمایت از خواست آزادی

فوری دستگیر شدگان دیروز در مهاباد و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و کوتاه شدن دست جنایتکاران اسلامی از سر مردم حرکت اعتراضی گسترده‌ای را در همه شهرهای کردستان سازمان دهیم. برای اقدامات اعتراضی در هر شهر، رفتن به عیادت زخمیهای وقایع اخیر در شهر مهاباد و سردشت، سرزدن به خانواده و بستگان قربانیان جنایات اخیر، آتش روشن کردن بر بلندبهای اطراف به نشانه حمایت از این مبارزات میتواند مواردی از اقدامات موثر و هماهنگی باشد که به دست بگیریم. مردم مبارز شهرهای کردستان و همه فعالین و پیشروان مبارزات مردم و فعالین و دوستداران کمونیسم کارگری را به گسترش اقدامات مبارزاتی در

به رفقای حزب کمونیست کارگری در شهرهای ایران

به شما بخاطر ابتکار برجسته و اقدام سراسری تان در صعود به قله‌های پیش از ۱۱ کوه که به یاد منصور حکمت انجام شد، درود میفرستیم. تلاشهای ارزشمند شما در شهرهای مختلف ایران از بزرگداشت یاد منصور حکمت، نشاندهنده گوشه‌ای از جایگاه منصور حکمت در قلب مردم آزادیخواه و نشان دهنده گوشه‌ای از قدرت جنبش کمونیسم کارگری است. جنبشی که در تحولات سیاسی امروز ایران میتواند و باید در راس مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی قرار گیرد و تضمین کند که جامعه‌ای انسانی، برابر و آزاد، جامعه‌ای سوسیالیستی، بجای جمهوری اسلامی مستقر خواهد شد. این اقدامات جایگاه برجسته و ویژه‌ای در رشد مبارزه آزادیخواهانه مردم دارد و امیدواریم شاهد گسترش هرچه بیشتر این نوع ابتکارات از جانب کارگران و

مردم پیشرو و آزادیخواه باشیم. یکبار دیگر به شما درود میفرستیم.

زنده باد منصور حکمت،
زنده باد کمونیسم کارگری

**کمیته تشکیلات کل کشور
اسد گلچینی**
۲۱ شهریور ۸۱

از سایت حزب کمونیست کارگری ایران دیدن کنید!

اخیرا بخش فارسی سایت حزب کمونیست کارگری ایران بازسازی و تکمیل شده است. در این سایت جلد هشتم مجموعه آثار منصور حکمت، مقالات و مصاحبه‌های منصور حکمت در نشریه انترناسیونال هفتگی و سایر نوشته‌های او بعد از انتشار جلد هشتم مجموعه آثار قابل دسترسی است. همچنین برخی کتابها و جزوات منصور حکمت مانند "یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری"، "تفاوت‌های ما"، "عضویت کارگری"، "سیاست سازماندهی ما در میان کارگران"، "حوزه‌های حزبی و آکسیونهای کارگری"، "فعالیت حزب در کردستان"، و کلیه نوشته‌های او درباره جنگ خلیج و جدائی از حزب کمونیست ایران و همچنین دیگر کتب و جزوات انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران در این سایت قابل دسترسی هستند. آرشیو نشریات انترناسیونال، انترناسیونال هفتگی، ایسکرا، ایسکرا (نشریه کمیته کردستان حزب)، کارگر کمونیست دور جدید، و آرشیو اطلاعیه‌های حزب و کمیته کردستان و تشکیلات خارج از دو سال و نیم پیش در سایت حزب موجود هستند. در بخش "جدید"، اطلاعیه و نشریات جدید حزب در دسترس است. بزودی سخنرانی‌های منصور حکمت بصورت صدا و ویدئو به سایت اضافه خواهند شد. همچنین کتابها و جزوات در قطع جیبی برای تکثیر در شهرهای ایران قابل دسترس هستند و بمرور به تعداد این جزوات افزوده خواهد شد.

سایت حزب یک منبع غنی برای دسترسی به ادبیات حزب کمونیست کارگری ایران است. فایل‌های کلیه مطالب سایت حزب را میتوانید در کامپیوتر خود ذخیره کنید و آنها را چاپ کنید.

از سایت حزب دیدن کنید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. آدرس سایت حزب کمونیست کارگری ایران چنین است:

www.wpiran.org

برای یک دنیای بهتر

برنامه‌ای از علی جوادی

از طریق ماهواره، در تلویزیون "کانال ۱"

در آمریکای شمالی، اروپا و ایران

هر هفته، سه شنبه‌ها

ایران: ۸:۳۰ شب

اروپای مرکزی: ۶ بعدازظهر

لس آنجلس: ۹ صبح

Email: Ali_Javadi@yahoo.com

Fax: 001-208-246-4221